

هو الله - ای یار نازنین، آنچه نگاشتی و در دل داشتی...

عبدالبهاء

اصلی فارسی



هو الله

ای یار نازنین، آنچه نگاشتی و در دل داشتی پدیدار و خواهش آشکار گشت هر چه ناله و فریاد کنی و آرزوی جانفشانی در راه آندلبر مهربان جوئی سزاوار و شایانست ولی چون چنین اندیشی در هر دمی جانی بیفشانی از خدا خواهم که آرزوی تو و مرا هر دو روا فرماید تا هر یک در جانفشانی پرچی برافرازیم. اما تو چون به بندگی خدا پرداختی و راز پنهان آموختی و فارسینرا بخداوند مهربان خواندی در هر دم جانفشانی برستی. زردشتیان روی پیشینانرا سفید نمودند و پاکی نژاد را پدید کردند. من از آنان خوشنودم پس باید بجوشند و بخروشند تا هر همکیش را خوش اندیش کنند و هر بیگانه را یار و خویش نمایند. آدم نیروی پروردگار پیاپی رسد و یاری آمرزگار دم بدم دیده شود و از برای پدر و مادر که بجهان دیگر رفته اند و از سرچشمه زندگانی جاودانی بی بهره بودند اگر خواهش آمرزش شود در درگاه خدا پذیرفته میشود. از برای خداداد دل آسوده دار آن سر گشته کوی یار بگلزار یزدانی شتافت و زندگی جاودانی یافت جانت خوش باد ع ع



ORIGINAL



AUDIO